

۱۵-۲ مالت ۳۱۶ کیلومتر مربع

جزایر مالت در حدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد برای نخستین بار مورد سکونت قرار گرفت. در طول یک هزار سال، ساکنان مالت به تعداد معبدهای بزرگ افزودند و این گواه بر آن است که در این جزیره بایستی چندین هزار مالتی زندگی می‌کرده‌اند. در صورتی که این پیش‌بینی واقعیت داشته باشد: نخستین مرحله نمودار جمعیت باید در یک سطح شگفت‌آور قرار داشته باشد. در دوره روم و نیز در اوج اوایل سده‌های میانه این احتمال که جمعیت از ۲۰/۱۰۰۰ نفر تجاوز کرده باشد، وجود ندارد. این را می‌توان از تعداد اهالی مالت هنگامی که کشورشان توسط شوالیه‌های سنت جان در سال ۱۵۳۰ م. به تصرف درآمد دریافت. شوالیه‌ها و گماشتگان آنان، در حدود ۵۰۰۰ نفر به این رقم افزودند و دوران رشد که در طی آن جمعیت مالت در قرن بعدی دوبرابر شد، آغاز شد و تا ۱۸۰۰ م. به ۱۰۰/۱۰۰۰ نفر رسید. در اوایل این سده، جمعیت این کشور به ۲۰۰/۱۰۰۰ نفر و تا ۱۹۵۰ به ۳۰۰/۱۰۰۰ نفر بالغ شد. مهاجرت ۱۰۰/۱۰۰۰ نفری در طول پنجاه سال افزایش جمعیت کنونی را کند کرده است.

منابع اولیه و کتابشناسی

برای اطلاع درباره پیش از تاریخ به: *Before Civilisation* نوشته Colin Renfrew (1973), PP. 154 ff نگاه کنید و برای دستیابی به اطلاعات سده‌های میانه، شمارش‌های منازل و نفوس انجام شده

توسط شوالیه‌ها و شمارشهای سالهای ۱۸۲۸ و ۱۸۳۷ و سرشماریها از ۱۸۴۲ که توسط بریتانیا انجام شده است، نگاه کنید به: *H.Bowen - Jones et al Malta : Background for Development* (1961) نوشته M. Richardson.

۱۵ - ۳ ایسلند ۱۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع (تنها ۱٪ قابل کشت)

احتمالاً پیش از کشف ایسلند توسط وایکینگ‌ها در اواخر سده نهم، عده‌ای از انزو اطلبان ایرلندی به ایسلند پای گذاشتند، اما ساکنان آن در اصل، اسکاندیناویایی بودند. در طول نیم قرن - یعنی تا سال ۹۲۵ م. - جمعیت به ۳۰۰۰۰ نفر رسیده بود و جریان مهاجرت متوقف شد. رشد طبیعی در طول سه قرن، جمعیت را به ۷۰۰۰۰ نفر رساند و پس از آن بدی آب و هوا در سده ۱۴ میلادی موجب معکوس شدن روند رشد جمعیت شد. در طی سه سده بعدی، مجموع جمعیت به کندی به ۵۰۰۰۰ نفر کاهش یافت و این میزان تا آغاز سده نوزدهم همچنان پابرجا ماند. این رقم، سطح میانگین جمعیت است؛ پس از برداشت یک محصول اندک، جمعیت اندکی کاهش می‌یافت و سپس در طول چند سال بعد این میزان بهتر می‌شد. شکستی مصیبت‌بار در جمع آوری محصول، تاثیرات درازمدت تری در پی داشت. قحطی سال ۱۷۸۴ کاهش را تا میزان ۳۸۰۰۰ نفر به دنبال داشت و میزان رشد تا رسیدن به سطح ۵۰۰۰۰ نفر، یک دهه به طول انجامید.

ایسلند موفق شد از موقعیت مالتوسی در سده نوزدهم رهایی یابد. در ۱۹۰۰ م. جمعیت این کشور به ۸۰۰۰۰ نفر رسید و تا ۱۹۵۰ این رقم به ۱۴۰/۰۰۰ نفر بالغ شد. امروزه مجموع جمعیت ایسلند بیش از ۲۰۰/۰۰۰ نفر است.

منابع اولیه و کتابشناسی

یادداشتهای اولیه درباره جمعیت بسیار ممتاز و تقریباً بی نظیرند، بویژه دو فهرست از تعداد کشاورزان، که عبارتند از *Landnamabok* مربوط به سال ۹۳۰ م. و نام نویسی ۱۰۹۵ م. مقامهای ایسلندی به این سبب دارای اعتبار هستند که نخستین سرشماریهای آنها - سرشماریهای ۱۷۰۳ م. - با معیارهای جدید مطابق است. سرشماریهای بعدی در ایسلند به دنبال سرشماریهای متوالی دانمارک، صورت گرفت و این جزیره از نظر سیاسی در ۱۲۶۲ با اسکاندیناوی متحد شد.

برای دست یافتن به دیدگاهی خوب نگاه کنید به مقاله: *S.Thorarinsson* در، *Geog. Rev. 51*, (1961).

۱۵ - ۴ مجمع الجزایر آزور^{۱۱۲}، نه جزیره اصلی مجموعاً ۲۳۰۰ کیلومتر مربع

این گروه جزیره‌های نیمه اقیانوس اطلس تا هنگام کشف آن (یعنی بین سالهای ۱۴۲۷ تا ۱۴۵۲) غیر مسکونی بود و از ۱۴۳۹، پرتغالیها در آن سکونت کردند. در ابتدا میزان رشد جمعیت بالا بود و در ۱۵۸۰ م. به ۶۰۰۰۰ نفر رسید. از آن زمان به بعد این روند کندتر شده است: این روند تا ۱۸۰۰ م. ادامه داشت و در این هنگام میزان جمعیت به ۱۵۰۰۰۰ نفر رسید و تا ۱۹۰۰ این رقم به ۲۵۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. در اوایل سده بیستم، میزان جمعیت به علت آن که آزوریهای بیکار، زندگی بهتری را در امریکا می‌جستند، سقوط کرد. اخیراً موج دیگری از مهاجرت، تعداد جمعیت آزور را از بالاترین میزان همیشگی، یعنی ۳۲۷/۰۰۰ نفر در ۱۹۶۰، به رقم کنونی ۲۹۰/۰۰۰ نفر رسانده است.

منابع اولیه و کتابشناسی

شمارشهای جمعیت از سده ۱۶ م. و سرشماریها از ۱۸۴۱ موجود است. نگاه کنید به:

T. Bentley Duncan, Atlantic Islands (1972)

۱۵ - ۵ مادیرا^{۱۱۳} ۸۰۰ کیلومتر مربع

پرتغالیها در سال ۱۴۲۰ در مادیرا سکونت کردند. جمعیت آن سرعت از ۱۰۰ نفر در ۱۴۲۵ به ۲۰۰۰ نفر در ۱۴۶۰، ۲۰۰۰۰ نفر در ۱۵۱۰ و به ۳۰۰۰۰ نفر در ۱۵۵۰ رسید. در این زمان تولیدکنندگان شکر که عامل موفقیت جزیره بودند، محصول خود را به بهای کمتری از کشاورزان برزیلی می فروختند و در نتیجه رشد اقتصادی و جمعیتی مادیرا دچار تزلزل شد. بار دیگر هنگامی که مادیراییها فعالیت موفقیت آمیزی را برای ساخت شراب آغاز کردند، وضعیت رو به بهبودی نهاد؛ سرانجام در این فعالیت، جزیره پرآوازه شد. بین ۱۶۵۰ تا ۱۷۵۰ م. جمعیت از ۳۳/۰۰۰ نفر به ۵۵/۰۰۰ نفر افزایش یافت و مجموع بیشتری از ۱۱۰/۰۰۰ نفر در ۱۸۵۰، ۱۵۰/۰۰۰ در ۱۹۰۰ و ۲۷۰/۰۰۰ نفر در ۱۹۶۰ به ثبت رسیده است. تا پایان این دوران، میزان رفاه و آسایش فزونی یافته و به رغم رشد دادوستد موفقیت آمیز توریست، مادیرا با کاهش اندک و در عین حال عمده جمعیت در طول آخرین دهه مواجهه بوده است. جمعیت کنونی مادیرا تقریباً ۲۵۰/۰۰۰ نفر است.

منابع اولیه و کتابشناسی

اطلاعات جمعیتی از سالهای اولیه، دربارهٔ آזור و مادیرا بهتر می باشد. نگاه کنید به:

A.H.D' Oliveira Marques , History of Portugal (1972)

۱۵ - ۶ جزایر قناری^{۱۱۴}، هفت جزیره اصلی مجموعاً ۷۳۰۰ کیلومتر مربع

شرقی ترین نقطه جزایر قناری را می توان از ساحل افریقا دید و جای بسی تعجب است که چرا شواهد استوار از تاریخ سکونت در آن، تنها از سده های نخستین عصر مسیحیت، یعنی دورانی که جزایر خوشبختی^{۱۱۵}، نخست توسط جغرافی دانان دوران باستان توصیف شدند، برجای مانده است. بین ۳۰۰ م. (نخستین تاریخی که به کمک رادیو کربن به دست آمده است) تا ۱۳۰۰ م. (تاریخ تقریبی کشف دوباره مجمع الجزایر توسط دریانوردان اروپایی) مردم بربری زبان از ناحیه ساحلی صحرا در تمام جزایر گسترده شدند و جمعیت به مجموع نهایی حدود ۲۰۰/۰۰۰ نفر افزایش یافت. پس از آن سقوطی مصیبت بار به وقوع پیوست و در این حال ماجراجویان بی باک اروپایی، مجمع الجزایر را فتح کردند؛ این وقایع تمام سده پانزدهم را دربرگرفت (دقیقاً از ۱۴۰۲ تا ۱۴۹۶ میلادی) و تعداد ساکنان بومی را به حدود ۵۰۰۰ نفر کاهش داد.

پرتغالیها دلبستگیهای خود در جزایر قناری را در سال ۱۴۷۹ به اسپانیا واگذار کرده بودند. اسپانیاییها بار دیگر دست به کار شدند تا نجیب زادگانی از اروپا و بردگانی از مراکش و گینه در جزایر قناری اسکان یابند. استقرار مجدد موفقیت آمیز بود. جمعیت این جزایر بسیار رشد کرد و در ۱۶۷۵ به ۱۰۰/۰۰۰ نفر، در ۱۷۶۰ به ۱۵۰/۰۰۰ نفر، در ۱۸۵۰ به ۲۵۰/۰۰۰ نفر، در ۱۹۱۵ به ۵۰۰/۰۰۰ نفر و در ۱۹۶۵ به یک میلیون نفر رسید. امروزه جمعیت جزایر قناری در حدود ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر است.

منابع اولیه و کتابشناسی

از سال ۱۷۶۸، تعداد ساکنان جزایر قناری در سرشماریهای اسپانیاییها به حساب آمده است. چنین به نظر می‌رسد که هیچ پژوهنده‌ای در شمارشهای ابتدایی‌تر به اندازه الکساندر فون هامبولت *Alexander Von Humboldt* که تخمینهایی را در مورد سالهای ۱۶۷۸ تا ۱۷۹۸ به چاپ رسانده است، به تحقیق نپرداخته است (به نقل از چاپ هفتم دایرة المعارف بریتانیکا) *The Encyclopaedia Britannica (1842)* تخمینهای جمعیت بومی در مقدمه‌ای نوشته *R.H. Major* به نقل از کتاب قناریها *The Canarian*، نوشته *Jean de Bethencourt (Hakluyt Society, 1872)* ذکر شده است.

جدول صفحه بعد، دوسرزمین فاروس^{۱۱۶} و گرینلند^{۱۱۷} را نیز دربرمی‌گیرد، که جمعیت آنها گرچه اندک است، از نظر تاریخی مهم است. فاروس (با مساحت ۱۴۰۰ کیلومتر مربع) توسط نروژیها در آغاز سده نهم میلادی کشف و مورد سکونت واقع شد. جمعیت آن به سرعت از کمتر از ۱۰۰ نفر در سده دهم به ۱۰۰۰ نفر در سده چهاردهم، ۵۰۰۰ نفر در سال ۱۸۰۰، ۱۲۰۰۰ نفر در ۱۹۰۰ و امروزه به ۴۰۰۰۰ نفر رسیده است. مساحت گرینلند ۲/۱۷۶/۰۰۰ کیلومتر مربع است که ۸۶٪ آن از یخ پوشیده شده است و بقیه آن بیشتر توندرا می‌باشد. اسکیموها که تنها مردمی هستند که می‌توانند خود را با این نوع وضعیت آب و هوایی وفق دهند، از هزاره سوم پیش از میلاد در این جزیره سکونت داشته‌اند. این بدان مفهوم است که گرینلند دارای جمعیت اساسی و ثابتی بوده که تعداد آن بیش از ۱۰۰ نفر و کمتر از ۱۰۰۰ نفر بوده است. در طول سالهای بین ۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰، اسکیموها با نروژیها از طریق ایسلند ارتباط برقرار کرده‌اند، نروژ دارای دو مهاجرنشین بود که بیشترین تعداد جمعیت آنها در سده ۱۳ م. به حدود ۳۰۰۰ نفر می‌رسید. این مستعمره‌ها در اواخر سده چهاردهم و اوایل سده پانزدهم، هنگامی که آب و هوای سرد به بدی گرایید، رها شد. دانمارکی‌ها حق حاکمیت بر گرینلند را در سده ۱۸ م. دوباره به دست آوردند. نخستین سرشماری انجام شده در سال ۱۸۰۵ نشانگر جمعیت ۵۰۰۰ نفری در این قرن است. احتمالاً در نتیجه خط‌مشی‌های رفاهی حکومت دانمارک، انفجار جمعیت در گرینلند در بین اسکیموها رخ داده است. جمعیت به یک باره از ۱۰/۰۰۰ نفر در ۱۹۰۰ م. به ۵۰۰۰۰ نفر در سالهای اخیر رسیده است.

جمعیت جزایری که از نظر تاریخی با اروپا پیوستگی داشته‌اند (۱۰۰۰ - ۱۹۷۵ لو ۱۹۹۰ م. U)
(ارقام جمعیت به هزار، با ضریب ۱۰۰۰۰)

	۱۹۷۵	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۰۰	۱۸۷۵	۱۸۵۰	۱۸۰۰	۱۷۵۰	۱۷۰۰	۱۶۵۰	۱۶۰۰	۱۵۰۰	۱۴۰۰	۱۳۰۰	۱۲۰۰	۱۱۰۰	۱۰۰۰	(سال)
فیرس	۷۰۲	۶۴۰	۴۹۰	۳۳۰	۲۳۰	۱۸۰	۱۵۰	۱۱۰	۱۱۰	۱۱۰	۱۱۰	۱۲۰	۲۰۰	۱۵۰	۲۰۰	۱۷۰	۱۵۰	۱۵۰
مالت	۲۵۱	۳۳۰	۳۱۰	۲۵۰	۱۹۰	۱۵۰	۱۳۰	۱۰۰	۸۰	۷۰	۵۰	۴۰	۲۰	۱۰	۲۰	۱۰	۱۰	۱۰
فاروس	۴۷	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰	۱۰	۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰
اسلند	۲۵۲	۲۲۰	۱۴۰	۱۰۰	۸۰	۷۰	۶۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۶۰	۶۰	۷۰	۷۰	۷۰	۵۰
گرینلند	۵۵	۵۰	۲۰	۱۰	۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰	<۱۰
جزایر آزور	۲۹۰	۳۲۰	۲۴۰	۲۱۰	۲۱۰	۲۳۰	۱۵۰	۱۰۰	۹۰	۸۰	۶۰	۱۰						
مادیرا	۲۵۰	۲۷۰	۳۰۰	۱۵۰	۱۳۰	۸۰	۷۰	۵۰	۴۰	۳۰	۳۰	۲۰						
جزایر قناری	۱۳۵۰	۷۹۰	۵۰۰	۳۹۰	۲۸۰	۲۶۰	۲۰۰	۱۴۰	۱۰۰	۷۰	۵۰	۱۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰

1 - Mesolithic Period

۲ - جمعیت‌نگاری Demography: دانش مربوط به جمعیت انسانی که در ابتدا مربوط به سرشماری آماری بود. اما کم‌کم مطالعه کنندگان درباره جمعیت متوجه این مسأله شدند که علل تغییرات در جمعیت و پیش‌بینی برای سالهای آینده را مورد مطالعه قرار دهند. مطالعه آمار و سرشماری جمعیت مربوط به توزیع جمعیت، حرکت جمعیت، مقادیر تولد و مرگ و میر و ... است. م.

۳ - «توماس رابرت مالتوس» کشیش و اقتصاددان انگلیسی که در ۱۷۹۸ م. نظریه بدبینانه خود را در مورد جمعیت در کتاب «تحقیق درباره اصل جمعیت و تأثیر آن در پیشرفت آینده جامعه» ارائه کرد. وی معتقد بود که در طول ۲۵ سال جمعیت جهان دو برابر شده، در حالی که مقدار زمین ثابت است و به سرعت افزایش جمعیت نمی‌تواند افزایش یابد. وی این نظریه را عرضه کرد که جمعیت به نسبت تصاعد هندسی افزایش می‌یابد، در حالی که مواد غذایی با تصاعد عددی بالا می‌رود. وی پیشنهاد می‌کند که تولد و تناسل محدود شود تا آدمی بتواند به حیات خود ادامه دهد. م.

۴ - طاعونی از نوع باکتری پستورالا Pasteruralla که دارای دو قطب رنگی هستند و در انسان، جانوران، نشخوارکننده و خوک بوجود آورنده مرضند. م.

۵ - کفا Kaffa: ایالتی در جنوب غربی اتیوپی که ۲۱۰۸۱ مترمربع مساحت دارد. جمعیت آن در ۱۹۷۰ م، ۶۶۳/۲۰۰ نفر بود. م.

6 - Wilhelmine era

7 - Ural

8 - Caucasus

9 - Emba

10 - Kuma - Manych

11 - PostGlacial

12 - Welsh

13 - Dark age

۱۴ - مرگ سیاه Black Death: این طاعون به علت آن که لگه‌های سیاهی در طول این بیماری بر پوست ظاهر می‌شد، در نزد اروپاییان به مرگ سیاه معروف شد. م.

15 - Great Plague

16 - Irish

17 - Protestant Reformation

۱۸ - کشورهای مشترک المنافع Commonwealth Countries: جامعه‌ای است که کشورها، آزادانه در آن عضو می‌شوند و بیشتر بر اساس علایق مشترک اقتصادی تشکیل یافته است. این جامعه در سال ۱۹۳۱ با عنوان «کشورهای مشترک المنافع بریتانیا» در جهت ادامه همکاری و نفوذ انگلیس بر مستعمراتی که مستقل می‌شدند، تأسیس یافت و پس از مدتی به صورت کنونی تغییر نام داد. بعضی از کشورهای عضو بطور سمبولیک پادشاه انگلستان را رهبر خود دانسته و بقیه آنها نیز وی را تنها به عنوان رئیس جامعه به رسمیت می‌شناسند. از جمله کشورهایی که پادشاه یا ملکه انگلستان را به ریاست تشریفاتی کشور خود قبول دارند می‌توان: استرالیا، باهاما، باربادوس، بلیز، پاپوا، گینه نو، جامائیکا، زلاندنو، سنت لوسیا، کانادا، گرانادا و... را نام برد و کشورهای اوگاندا، بنگلادش، تانزانیا، زامبیا، سنگاپور، قبرس، گامبیا، غنا، مالزی، مالت، نیجریه از جمله کشورهای دسته دومند. منظور نویسندگان از کشورهای دریای کارائیب عضو این جامعه، کشورهای باهاما، باربادوس، بلیز، گرانادا و چند کشور دیگر است. م.

۱۹ - هایلندز Highlands: سرزمین مرتفعی در شمال غربی اسکاتلند که بلندترین نقطه آن قله بن نویس با ارتفاع ۱۳۴۳ متر است. م.

۲۰ - آلستر، Ulster، قسمتی از شمال جزیره ایرلند که ناحیه‌ای نسبتاً کم ارتفاع است. آب و هوای آن معتدل و مرطوب است و رودهای بن، رو و بلاک در آن جریان دارند. م.

۲۱ - پس از سالها مبارزه نهضت استقلال طلب شین فین و در نتیجه مذاکرات نخست وزیر وقت انگلستان و دولرا رهبر جنبش شین فین در سال ۱۹۲۱ «کشور آزاده ایرلند Free State» تشکیل شد که ضمن آن ایرلند

عنوان دومینیون امپراتوری بریتانیا را داشت و ۶ ایالت پروتستان نشین شمالی نیز با داشتن خودمختاری همچنان متعلق به انگلستان باقی ماندند. در پی آن عناصر جمهوریخواه ایرلند ناراضی شدند و جنگ داخلی درگرفت. م.

۲۲ - گت‌ها Goths یکی از اقوام قدیم ژرمنی که از اسکاندیناوی آمده و با از قوم گوتار جدا شده‌اند. این قوم در نیمه اول قرن سوم میلادی به جنگ پرداخته و در ۲۶۹ کناره‌های آسیای صغیر را غارت کرده و شهر آتن را ویران ساختند ولی امپراتور روم کلود دوم آنها را شکست داد. در اوایل قرن چهارم گت‌ها به دو دسته بزرگ ویزگت‌ها Wisigoths و استروگت‌ها Ostrogoths تقسیم شدند. به نقل از فرهنگ فارسی دکتر معین ج ۶. م.

۲۳ - توتنی Teutonic: یکی از قبایل قدیمی ژرمن که نژاد اصلی آنها درست معلوم نیست. م.

۲۴ - فاروئه Faeroe: با فارو مجموعه ۲۱ جزیره آتشفشانی متعلق به دانمارک که در اقیانوس اطلس واقع شده است. این جزایر بین ایسلند و شتلند قرار گرفته‌اند و در حدود ۳۵۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پشم و ماهی از صادرات عمده این جزایر است. م.

۲۵ - نک منطقه ۱۵

۲۶ - وارنگیان Varangian سلسله‌ای که توسط یکی از مردم شمال اروپا در قرن نهم میلادی در روسیه تشکیل شد. م.

27 - Novgorod

28 - Kiev

29 - Ragnar Lothbrok

30 - Rollo

31 - Sveyn Forkbeard

32 - Lapp

۳۳ - مالیات سرشماری Poll tax یا مالیات سرانه، مالیاتی است که از تمام افراد ذکور بالغ و بعضی اوقات از زنان جهت اخذ رای گرفته می‌شود و به همین سبب آن را مالیات سرانه گویند. گاهی Head tax نیز گفته می‌شود. غالباً نظامیها، اشخاص معیوب و ینوایان از پرداخت این گونه مالیات معافند. از آن به Capitatio tax نیز یاد می‌شود. این مالیات را بر حسب تعداد نفقات خانواده دریافت می‌کنند. رک، دکتر منوچهر فرهنگ، فرهنگ علوم اقتصادی، چاپ چهارم، انتشارات آزاده، تهران، ۱۳۶۳، صفحه ۹۲۶. م.

34 - muster roll

35 - Gaul

36 - Rhine

37 - Feudal System

38 - Holy Land

39 - Louis XIV

۴۰ - الزاس Alsatia منطقه‌ای بین فرانسه و آلمان. م.

۴۱ - جزیره کرس (کورسیکا) Corsica واقع در جنوب شرقی فرانسه. م.

42 - Basque

۴۳ - پیرنه Pyrenees ارتفاعاتی است بین فرانسه و اسپانیا. م.

44 - Lorraine

۴۵ - در نیمه دوم سده نوزدهم با آن که فرانسه دومین قدرت بزرگ جهانی محسوب می‌شد، اما در سال

۱۸۷۱ م. طی جنگی از امپراتوری آلمان شکست سختی خورد که در نتیجه ایالات آلزاس و لرن از فرانسه جدا شدند. م.

46 - Gallia Belgica

47 - Germanic

48 - Flemings

49 - Walloons

50 - Emperor Charles

51 - Frisians

۵۲ - کشورهای سفلا Low Countries ، اصطلاحی که برای سه کشور بلژیک، هلند و لوکزامبورگ به کار می رود. م.

۵۳ - هون Hun نژاد زردپوست آسیایی که در سده چهارم و پنجم میلادی بر اروپا تاختند. م.

54 - Holy Roman Empire of the German Nation

۵۵ - جنگ سی ساله The Thirty Years Wars : در سال ۱۶۱۸ م. در زمان حکومت ماتیاس به وقوع پیوست. وی که پس از مرگ برادرش، رودلف دوم در سال ۱۶۱۲ به قدرت رسید، فردی جاه طلب بود. در زمان سلطنت ماتیاس، آتش فتنه در بوهم زبانه کشید و یکی از معابد پروتستانها ویران شد. تعدادی از نجبای چک به پراگ آمدند و به دو حاکمی که از طرف امپراتور، مامور اداره آن منطقه بودند از اوضاع شکایت کردند. مذاکرات نجبای چک و نمایندگان امپراتوری به مشاجره انجامید. این نزاعهای لفظی منجر به وقوع جنگی طولانی در سال ۱۶۱۸ میلادی شد که در آلمان ویرانه‌هایی به بار آورد و به تدریج به کشورهای همسایه نیز گسترش یافت. جنگ سی ساله که در آغاز فقط جنبه مذهبی داشت، بعدها رنگ سیاسی به خود گرفت. م.

56 - Lebensraum

۵۷ - سودت Sudetenland ، بخشی از بوهم و موراوی واقع در مجاورت کوههای سودت در چک و اسلواکی. م.

58 - European Economic Community (EEC)

۵۹ - رایش Reich ، به معنای امپراتوری است. رایش اول از ۹۶۲ تا ۱۸۰۶ میلادی به درازا کشید. م.

60 - Holy Roman Empire

61 - Prussia

۶۲ - اتحادیه گمرکی Customs Union ، اتحادیه‌ای که از کشورها یا ملت‌های مختلف برای تنظیم امور گمرکی تشکیل می شود. م.

۶۳ - ایالت‌های آلزاس Alsace و لرن Lorraine در سال ۱۸۷۱ میلادی، در طی جنگی که فرانسه از امپراتوری آلمان شکست خورد، از فرانسه جدا شد. م.

64 - Weimar Republic

۶۵ - پومرانیا Pomerania ، ایالتی از پروس در کناره دریای بالتیک. م.

۶۶ - براندنبورگ Brandenburg ، ناحیه تاریخی و ایالتی در پروس. از ۱۹۴۵ بخش شرقی آن قسمتی از لهستان و بخش غربی آن متعلق به آلمان غربی بوده است. م.

۶۷ - سیلزی Silesia ، منطقه‌ای که بیشتر آن در جنوب غربی لهستان واقع شده است و بخش‌های کوچکی از آن در چک و اسلواکی و آلمان شرقی پیشین قرار دارد. پیش از این ایالتی از پروس بود. م.

68 - Duchy of Poland

69 - Congress of Vienna

۷۰ - دنیای قدیم Old World یعنی اروپا و آسیا، در برابر آمریکا (دنیای جدید)، به نیمکره شرقی نیز گفته می شود.م.

۷۱ - لهستان کنگره Congress Poland، در سال ۱۸۱۵ م. کنگره وین ایالات پروس غربی و پزنان لهستان را به پروس و گالیس را به اتریش داد و کراکوف را به صورت جمهوری جداگانه‌ای در آورد و مملکت سلطنتی لهستان به نام لهستان کنگره ایجاد کرد که پایتخت آن ورشو بود. این حکومت با روسیه متحد شد.

72 - Versailles Poland

۷۳ - سکا Scyth و یا سیت، سرزمینی واقع در جلگه‌های شمالی دریای سیاه و دریاچه اورال. سکاها صحرانشین بوده‌اند و در سده هفتم ق.م. به مشرق آسیا هجوم آوردند، ولی به عقب رانده شدند و آخرین مرتبه در ۱۰۰ ق.م. نام آنها برده شده است. نژاد اصلی سکاها معلوم نیست. هرودت و هزیود، مؤرخان یونانی نامی از آنها برده‌اند. م.

74 - Tartar

75 - Lithuanians

76 - Latvians

77 - Estonians

78 - Ukrainians

79 - Belorussians

80 - Free Germany

81 - Marcomanni

82 - Bohemia

83 - Quadi

84 - Moravia

۸۵ - هلوتیا Helvetia، سرزمینی که امروزه آن را به نام سوئیس می‌شناسیم. هلوتیا در ۵۸ پیش از میلاد به تصرف فاتحان امپراتوری روم درآمد و یکی از ایالت‌های آن تمدن عظیم شد.م.

۸۶ - رایشیا Raetia، ایالتی از روم باستان در جنوب رود دانوب که بیشتر سرزمین‌هایی که امروزه تیrol و فورارلبرگ در اتریش و گراوبوگندن در سوئیس شرقی نامیده می‌شود را در بر می‌گرفت.م.

87 - hapsburg

۸۸ - ریسور جیمینتو resurgimento، به قیام استقلال طلب ایتالیا اطلاق می‌شود.م.

۸۹ - پانونیا Pannonia، ایالتی در روم قدیم که امروزه جزء مجارستان و شمال یوگسلاوی و شرق اتریش است و از طرف شمال و مشرق به رود دانوب محدود می‌شود.م.

90 - Avar

۹۱ - موهاش Mohacs، شهری تجاری در جنوب مجارستان در کناره رود دانوب، با جمعیتی در حدود ۳۰ هزار نفر. محل شکست جاراها از ترکها در اوت ۱۵۲۶. در ۱۲ اوت چارلز لرن، ترکها را در نزدیکی هارکانی شکست داد.م.

۹۲ - داسیا Dacia، شهری در کناره رود دانوب.م.

۹۳ - ترانسیلوانی Transylvania، فلانی در شمال غربی و مرکز رومانی که در زمان امپراتوری روم به عنوان

مرکز شناخته شد. حاکم این منطقه در ۱۵۲۶ مدعی سلطنت مجارستان شد و به نام یانوش اول به سلطنت رسید.م.

94 - Transcarpathia

95 - Patzinak

96 - Cumons

۹۷ - والاش‌ها Vlach، مردمی که در جنوب شرقی اروپا و بالکان سکونت داشتند و به گویش مخصوصی از زبان رومانی صحبت می‌کردند.م.

98 - Wallachia

99 - Moldavia

100 - Reconquista

101 - Ls Novos de Tolosa

۱۰۲ - جنگهای کارتاژ Punie Wars، جنگهای بین روم و کارتاژ، در شمال افریقا در سده ۲ و ۳ پیش از میلاد.م.

۱۰۳ - مکاشفه یوحنا Apocalyse، از رسالات عهد جدید که در آن سرانجام مسیح بر شیطان پیروز شد.م.

۱۰۴ - ونیز Venice: بندری در کناره خلیج ونیز.م.

۱۰۵ - جنوا (ژن) Genoa: بندری در شمال باختری ایتالیا، مرکز کرانه خلیج جنوا.م.

۱۰۶ - خاور نزدیک Levant: اصطلاحی فرانسوی برای کشورهای ساحل شرقی دریای مدیترانه، مخصوصاً سوریه و لبنان.م.

107 - Vasco do Gama

۱۰۸ - ایونی Ionia: منعمره یونانی در کرانه باختری آسیای صغیر. مردم آن شعبه‌ای از نژاد یونانی ساکن اتیکا Attica و سواحل شمالی پلوپونسوز هستند.م.

۱۰۹ - ایلیری، ایلیری Illyria: بخش شمال غربی شبه جزیره بالکان.م.

۱۱۰ - تراکیا، تراس Thracia، بخشی از جنوب خاوری شبه جزیره بالکان.م.

۱۱۱ - بوسفور Bosphorus، تنگه‌ای بین دریای مرمره و دریای سیاه در ترکیه.م.

۱۱۲ - آزور Azores: مجمع الجزایری در شمال اقیانوس اطلس.م.

113 - Maderia

۱۱۴ - جزایر قناری The Canaries: مجمع الجزایری در اقیانوس اطلس، در شمال غربی سواحل افریقا.م.

115 - Fortunate Isles

116 - Faroes

117 - Greenland

۴-۲ منچوری و مغولستان داخلی

۴-۳ چین ملی

۴-۴ تایوان (فرمز)

۵-کره

۶-ژاپن

۷-شبه جزیره هند

۷-۱ پاکستان، هند و بنگلادش

۷-۲ سریلانکا

۷-۳ نپال

۸-۲ آسیای جنوب شرقی

۸-۱ برمه

۸-۲ تایلند

۸-۳ هند و چین

۸-۴ مجمع الجزایر مالای

۸-۵ فیلیپین

۱ خاور نزدیک

۱-۱ بخش آسیای ترکیه

۱-۲ سوریه و لبنان

۱-۳ فلسطین و اردن

۱-۴ شبه جزیره عربستان

۱-۵ عراق

۱-۶ ایران

۱-۷ افغانستان

۲ بخش آسیای شوروی سابق

۲-۱ قفقاز

۲-۲ سیبری

۲-۳ ترکستان

۳ مغولستان

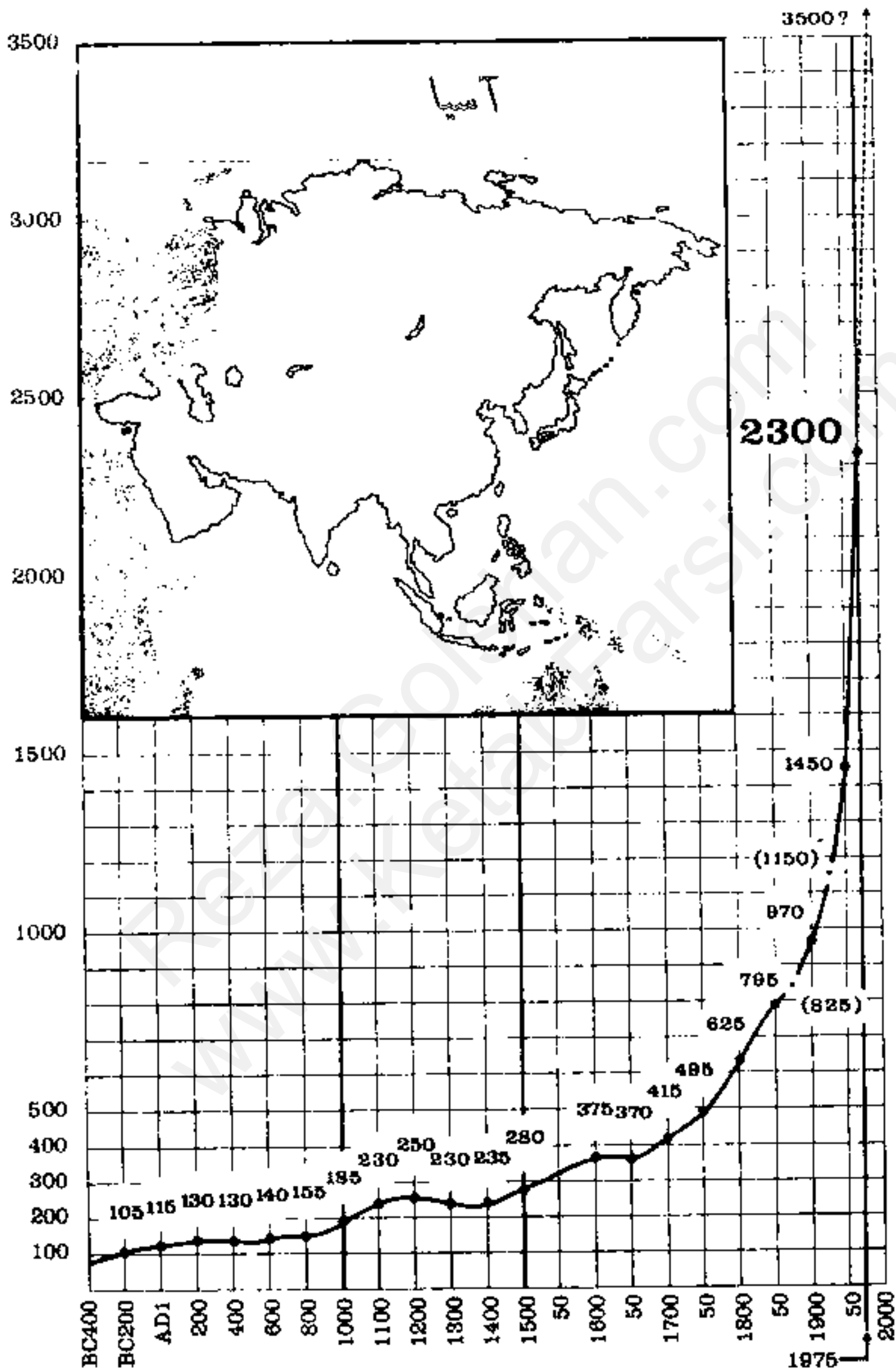
۴ چین

۴-۱ ترکستان چین و تبت

بخش دوم

آسیا





نمودار ۲-۲ جمعیت کلی قاره آسیا

/ جمعیت آسیا در ۱۹۹۰ م: ۱۱۵۰ / ۱۳۶ / ۲ نفر /

آسیا: بررسی کلی

۴۴/۰۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع

یک نسل پیش، دربارهٔ «انقلاب نوسنگی» - پیدایش نخستین تولیدکنندگان غذا در برابر جامعه‌های گردآورندهٔ غذا - دیدگاه نسبتاً روشنی داشتیم. این انقلاب در خاور نزدیک، در منطقه‌ای که مرکز آن فلسطین، سوریه و عراق بود، روی داد. این منطقه «هلال خصیب^۱» نامیده می‌شود که یک یا دو هزار سال بعد، نخستین تمدن در آن پدید آمد. این روزها بیشتر می‌دانیم، اما متأسفانه کمتر می‌فهمیم. ظاهراً شیوه‌های گوناگون تولید غذا از سرزمینهای مختلفی سرچشمه گرفته است که اغلب پیدایش این شیوه‌ها بسیار کند و نامحسوس است، البته آنچه مورد توجه ماست سیر صعودی جمعیتی است که با انتقال به مرحلهٔ تولید غذا همگام پنداشته شده است. اما به نظر می‌آید این سیر نمودار در برخی مناطق و در دوره‌های مشخص دور وجود ندارد و برای مثال در طول ۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، دانش کشاورزی در سراسر جنوب شرقی آسیا، از برمه و تایلند در زمینلاد^۲ تا شرقی‌ترین جزایر اندونزی، گسترش یافت. با وجود این، دست کم ۲۰۰۰ سال طول کشید تا جمعیت به ده برابر، که نتیجه انتشار دانش کشاورزی^۳، افزایش یافت. (فرضهایی که ما پایهٔ تخمینهایمان را بر آنها استوار می‌کنیم: اولاً تعداد گردآورندگان غذا در این پهنه در ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد، احتمالاً از ۲۰۰/۰۰۰ نفر کمتر نبوده است (مقایسه کنید با استرالیا) و ثانیاً میزان ۲ میلیون نفر تا مدتها در آخرین هزارهٔ پیش از میلاد حاصل نشد، که این مورد کاهشی مشخص در امتداد دورهٔ تاریخی محسوب

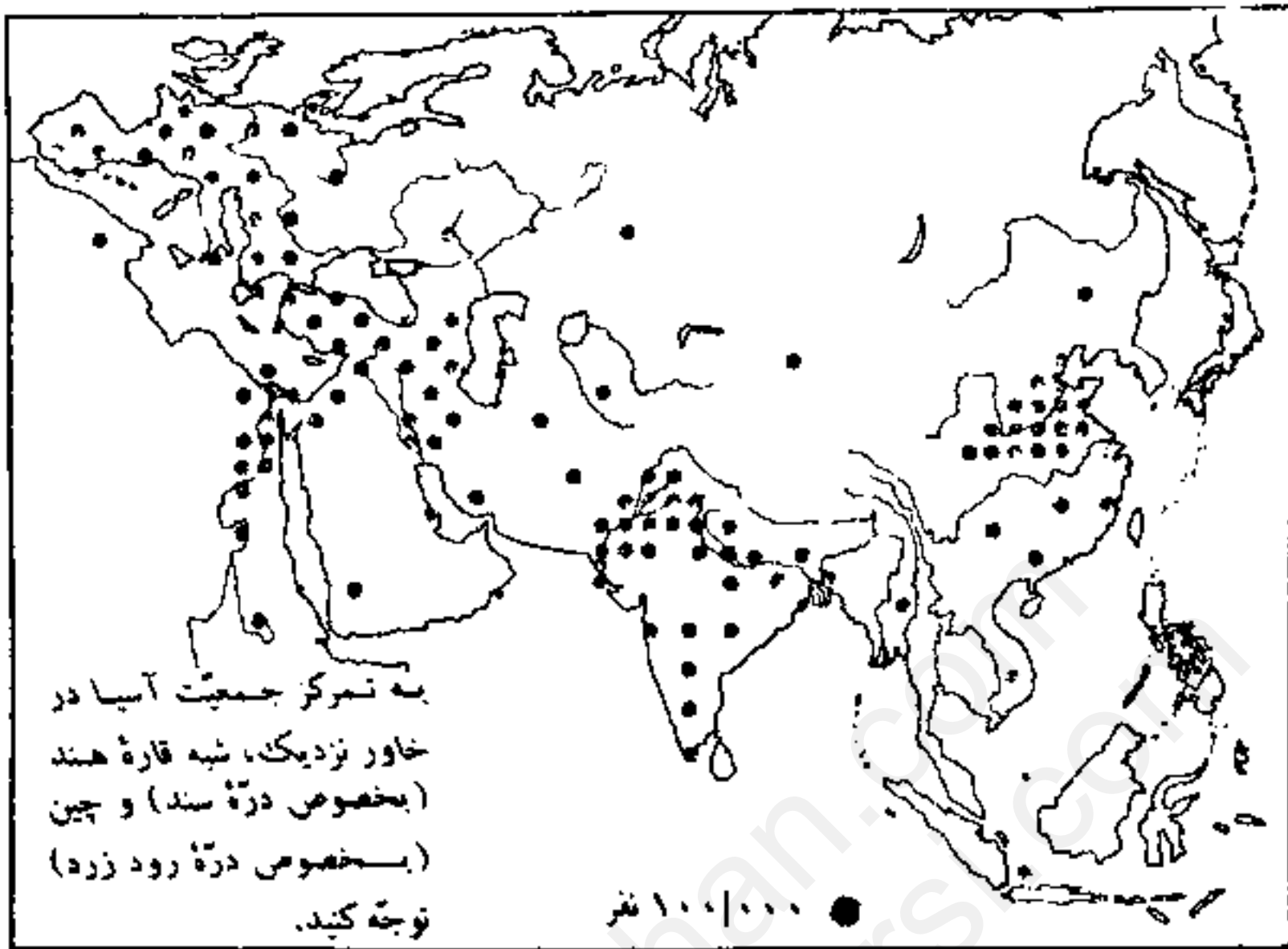
می شود.)

اگر همیشه نتوانیم بر نوآوریهای کشاورزی اعتماد کنیم تا توضیح دهیم چرا بر شمار فقط برخی از اقوام آسیایی افزوده شد، دست کم می توانیم بگوییم که هر جا از کشاورزی خبری نبوده، رشد در خور توجهی نیز وجود نداشته است. بین ۱۰۰۰۰ تا ۴۰۰ ق.م.، جمعیت آسیا از یک میلیون به ۸۰ میلیون افزایش یافت، اما تعداد مردم سیری، کره و ژاپن تقریباً هیچ تغییری نکرد. از کوههای اورال تا جزیره هُنشو، تنها ساکنان، شکارچیان ساده و ماهیگیران بودند که با تخمین، کمتر از ۲۰۰ هزار نفر بودند.

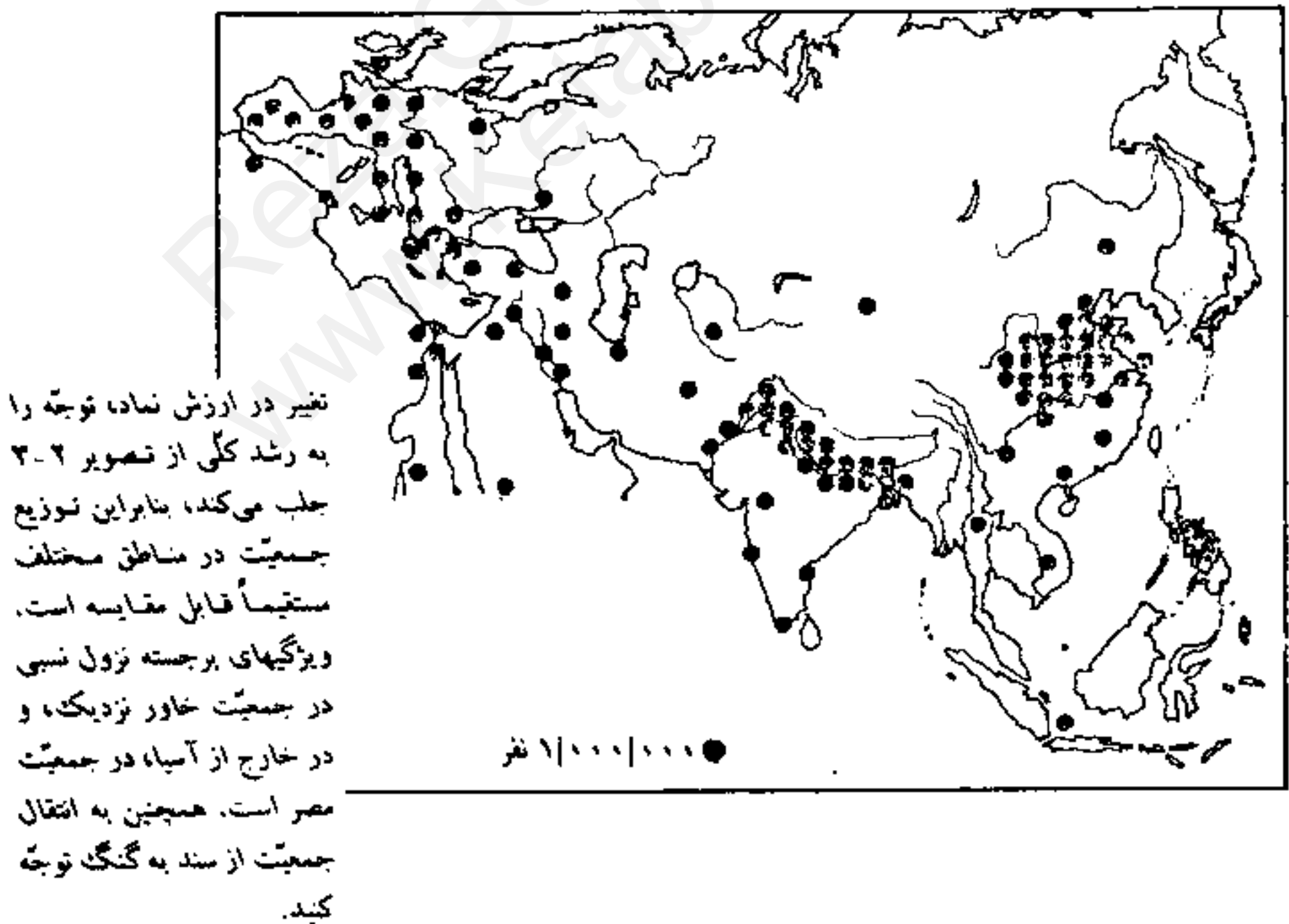
بنابراین، بر پایه آنچه گذشت، آسیایها در ۴۰۰ ق.م. در کدام مناطق می زیسته اند؟ پاسخ این است که تقریباً تمامی آنها در روستاهای ابتدایی در خاور نزدیک (۱۲ میلیون)، چین (۳۰ میلیون) و هند (۳۰ میلیون) زندگی می کرده اند. این سه منطقه، مناطقی محسوب می شوند که از بدو پیدایش، کشاورزی مهمترین فعالیتهای ساکنان آن بوده است؛ مناطقی که تا حدود سده چهارم قبل از میلاد، تمدنهای مهمی به خود دید و باید نقش کانون فرهنگی قاره را در طول تاریخش ادامه می داد.

در بین این سه تمدن، خاور نزدیک کهن ترین تمدن است که مرکز اولیه آن در کشوری قرار داشت که در نزد پیشینیان به سومر و اکد^۲ و تاجهان باستان با نام بین النهرین^۱ و در عصر کنونی به عراق مشهور است. در اینجا، مذتهای دیرپایی پیش از هر جای دیگر، انقلاب کشاورزی، صعودی فزاینده در نمودار جمعیت به وجود آورد (با روستاهایی که به سبب رشد به شهرهایی تبدیل شدند، با تراکم جمعیت منطقه ای ۱۰ نفر در هر کیلومتر مربع). این انقلاب کشاورزی، سرآغاز مجموعه ای از نخستین پدیده ها بود و می توان به سادگی ادعا کرد که سومریان پایه گذار تمدن بوده اند. این مجموعه نخستین ها عبارتند از: نخستین کتابت (به یقین)، نخستین ریخته گری مفرغ (به احتمال زیاد) و نخستین وسیله نقلیه چرخدار (به احتمال). از آنجا که این قوم متمدن، که هویت نژادی آنها هنوز معمای است، این تمدن را به سرعت ترقی دادند، خاور نزدیک جایگاه اول را از نظر جمعیت، در میان مناطق دیگر آسیا به دست آورد و برای بیشتر روزگار باستان قادر بود که سهم ۲۵ درصدی خود را نسبت به کل جمعیت آسیا حفظ کند؛ این سهم در اوایل هزاره سوم پیش از میلاد ۲/۵ میلیون از کل ۱۰ میلیون، در اوایل هزاره دوم ۵ میلیون از ۲۰ میلیون و در اوایل آخرین هزاره پیش از میلاد ۹ میلیون از ۳۶ میلیون بود.

پس از آن زمان، وضعیت تغییر کرد؛ گرچه رشد جمعیت خاور نزدیک ادامه یافت، از رشد جمعیت در چین و هند عقب ماند. در حدود سده پنجم قبل از میلاد، جمعیت چین و هند هر یک به ۲۵ تا ۳۰



تصویر ۲-۳ دنیای قدیم، توزیع جمعیت در ۳۰۰۰ ق.م.



تصویر ۲-۴ دنیای قدیم، توزیع جمعیت در ۴۰۰۰ ق.م.

میلیون نفر می‌رسید در حالی که جمعیت کل خاور نزدیک کمتر از نصف این رقم بود. به‌طور کلی جمعیت آسیا تا $\frac{1}{6}$ / حدود $\frac{16}{7}$ درصد / کاهش یافت (رجوع کنید به تصویرهای ۲-۳ و ۲-۴). خاور نزدیک از نظر تکنولوژی و رشد جمعیت از اروپا نیز پیشی گرفت؛ زیرا هنگامی که امپراتوری هخامنشی - بزرگترین امپراتوری آسیا تا آن زمان - می‌کوشید تا یونان را در سده پنجم پیش از میلاد فتح کند، به سختی مجبور به عقب نشینی شد و در برابر تاخت و تاز متقابل اسکندر کبیر و جانشینان مقدونی او در اواخر سده چهارم مقاومت عجیب، ولی بی‌ثمر، از خود نشان داد. در طول چند سال، اسکندر تمامی منطقه را به صورت بخشی از قلمرو خود در آورد. امپراتوری اسکندر در واقع شامل امپراتوری کهن هخامنشی و یونان بود که بر پایه جمعیت، سرزمینی آسیایی به شمار می‌آمد:

۳ میلیون نفر	امپراتوری مقدونی در اروپا (یونان)
$\frac{3}{5}$ میلیون	در افریقا (مصر)
۱۲ میلیون	در خاور نزدیک (جز عربستان)
$\frac{1}{5}$ میلیون	در آسیای مرکزی و هند
۲۰ میلیون	جمع
$\frac{13}{5}$ میلیون ($\frac{2}{3}$ کل جمعیت)	جمعیت بخش آسیایی

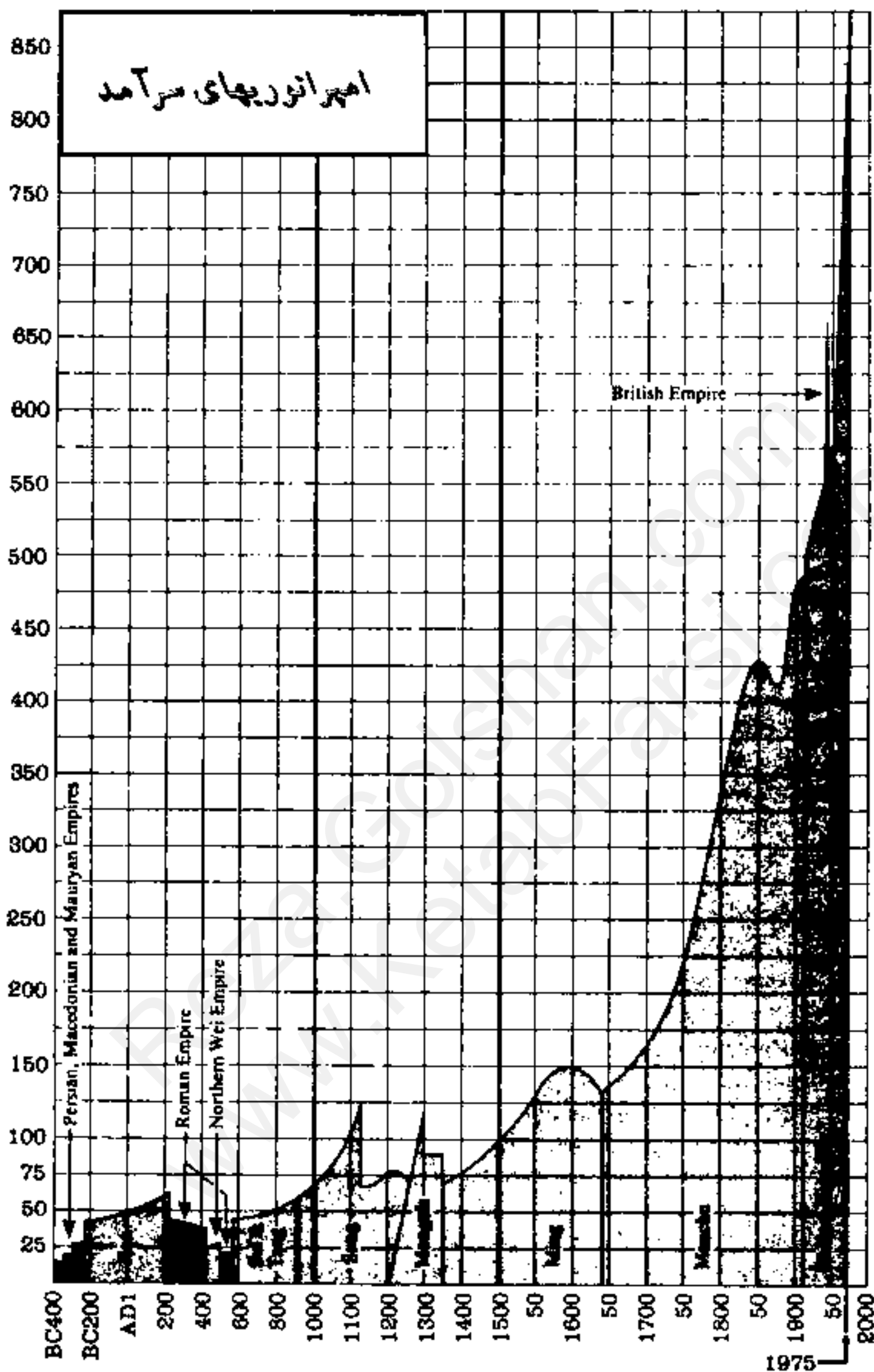
با وجود این، اگر مرکز جمعیتی امپراتوری مقدونی را در آسیا بدانیم، قدرت مؤثر این مرکز، اروپاییان بودند و هدف اصلی امپراتوری، پیشرفت شیوه زندگی یونانی بود. تعداد ساکنان یونان، در دوره‌های استبدادی، اندک بود - کمتر از ۲۵۰ هزار نفر - اما برای گسترش فرهنگ و تمدن یونانی کافی می‌نمود. بعدها، رومیان نقش یونانیان را بر عهده گرفتند و در دیگر سالهای دوره باستان، بخش غربی خاور نزدیک جزو امپراتوری آنان بود. بخش شرقی دوباره توانست استقلال خود را توسط حکومت پارتها بازیابد، اما هم از نظر تعداد (۵ میلیون در مقابل ۴۵ میلیون) و از نظر فرهنگی تحت تأثیر امپراتوری روم باقی ماند.

شاید خاور نزدیک در دوران باستان نسبت به اروپا افزایش مهمی نداشت، اما در آسیا چنین نبود. نه تنها تعداد آسیاییان از اروپاییان فراتر رفته بود، بلکه هندیها و چینی‌ها (هرکدام به تنهایی) از اروپاییان بیشتر بودند، چین و هند مجموعاً تا آن هنگام، از نظر پیچیدگی، تمدنهایی قابل مقایسه با تمدن روم به وجود آورده بودند. آنگاه که از هند سخن به میان می‌آوریم، واحدی اجتماعی مورد نظر

است نه وجودی سیاسی، زیرا تلاشهایی که برای ایجاد یک امپراتوری کاملاً هندی انجام شد، فقط در دو زمان به موفقیت نزدیک شد: در سده سوم پیش از میلاد، زمانی که امپراتوران موریاه^۵ بیشتر شبه جزیره را تسخیر کردند و سده سوم پس از میلاد، هنگامی که پادشاهان گوپتا^۶ کنترل نیمه شمالی را به دست گرفتند. چون هیچ یک از این دو امپراتوری بیش از یک نسل دوام نیاورد، ذکر این مطلب شایسته است که موقعیت طبیعی منطقه یکی از عوامل تجزیه سیاسی بود. چین وضعیتی متفاوت با هند داشت. در اواخر سده سوم پیش از میلاد، حکومت‌های متعددی که دره رودخانه زرد را بین خود تقسیم کرده بودند، توسط شی هوانگ تی^۷، نخستین امپراتور، گردهم آمدند و از آن پس اتحاد حاکم بود. مقیاس بسیار عظیم است. در خلال دوران هان^۸، که از ۲۰۶ ق.م. تا ۲۲۰ میلادی ادامه یافت، امپراتوری چین همیشه از نظر تعداد کاملاً برتر از روم نشان می‌داد: هنگامی که جمعیت روم اندکی بیش از ۴۰ میلیون بود، چین دوران هان بیش از ۵۰ میلیون نفر جمعیت داشت. در دنیایی با امپراتوریهای متعدد، مرتبه امپراتوری چین دیگر تقریباً عادی به نظر می‌رسید (تصویر ۲-۵).

در سال ۲۲۰ میلادی، امپراتوری هان سقوط کرد و بربرها در ۴۱۰ میلادی، رُم را غارت کردند. ویژگی مشترک در این دو رویداد، مداخله قبایل چادر نشین مرکز آسیا (هون‌ها^۹، مغولها و ترکها) بود. شمار این قبیل اقوام چادر نشین هرگز زیاد نبوده است - کمتر از ۵ میلیون نفر در زمانی که ما پیرامون آن بحث می‌کنیم - با وجود این، شیوه زندگی سخت، از آنها جنگجویانی چابکسوار ساخته بود و بدین ترتیب برخوردهای نظامی بسیار قویتری نسبت به آنچه با در نظر گرفتن تعداد آنها پیش بینی می‌شد، به وجود آوردند. همین مسأله درباره عربها نیز صادق بود. فقط حدود ۲۰٪ از ۵ میلیون سکنه شبه جزیره عربستان، چادر نشینان صحراگرد بودند، اما همین کافی بود تا تیغ تیزی به دست لشکریان عرب که الهام گرفته از تعالیم حضرت محمد (ص) بودند، بدهد تا در سده هفتم میلادی بر امپراتوریهای بیزانس (روم شرقی) و ایران فایق آیند. حدود سال ۸۰۰ میلادی عربها حاکمان امپراتوری بودند که تمامی خاور نزدیک به انضمام اسپانیا، مغرب و مصر در غرب و بخشی از آسیای مرکزی و پاکستان کنونی در شرق را شامل می‌شد.

خلافت - چنانکه امپراتوری عرب بدین نام شناخته می‌شود - بسیار با نفوذ بود، به طوری که در دوران اوج خود ۳۰ میلیون نفر تابع این حکومت بودند. با وجود این، دستاورد واقعی عربها تأسیس این امپراتوری دنیوی نبود، بلکه اثبات این امر بود که، اسلام به مثابه فرهنگ حاکم بر خاور نزدیک به شمار می‌آید. با در نظر گرفتن ارقام به تنهایی، خلافت عربها همواره شمار کمتری از امپراتوری چین



نمودار ۲-۵ تنها شکاف مهم در جمعیت انحصاری چین در سیر تسلسلی بین ۲۲۰ میلادی - پایان امپراتوری هان - و دهه ۵۸۰ میلادی - آغاز امپراتوری سوی - ایجاد شد. طی این دوره، چین دست کم به دو پادشاهی تقسیم می‌شد (گاه به بیش از دو پادشاهی) و از آنجا که هیچ یک از آنها به بزرگی و عظمت امپراتوری روم، در شکل تفکیک نشده‌اش، نبودند، روم در سده‌های سوم، چهارم و اوایل پنجم جلودار

داشت - به طوری که در تجتم، پس از امپراتوریهای ۵۰ میلیونی سوی ۱۰ و تانگ ۱۱ (۹۰۶-۵۸۱) قرار داشت. تفاوت نسبی فزاینده خاور نزدیک کاملاً مشهود بود؛ زیرا به دنبال چین و هند که هر کدام حدود یک سوم جمعیت آسیا را شامل می شدند، خاور نزدیک در سده هشتم میلادی با تفاوت فاحشی (۲۰ میلیون نفر جمعیت - کمی بیش از ۱۰٪ کل جمعیت آسیا) در رده سوم قرار داشت. با وجود این پیدایش اسلام، دوباره خاور نزدیک را از نظر رتبه فرهنگی در سطح جهانی در مرتبه خود قرار داد و از این جهت، جایگاه آن تا به امروز محفوظ مانده است.

آسیا، در دوران پیشرفت در سده های میانه، از افزایش بسیار بالاتری در جمعیت برخوردار شد: ۱۰٪ افزایش در سده نهم میلادی، ۱۰٪ در سده دهم، ۲۵٪ در سده یازدهم و - سپس با کاهشی مشخص - اندکی کمتر از ۱۰٪ در سده دوازدهم. این رشد، به طور مطلق، جمعیت کل قاره را به بیش از ۲۵۰ میلیون رساند. نمودار، در این زمان، کاستی را نشان می دهد؛ حدود ۱۳۰۰ میلادی جمع کل به ۲۳۰ میلیون کاهش و در ۱۴۰۰ تنها اندکی افزایش یافت.

این دگرگونی در رشد جمعیت، از نظر سیاسی بر ظهور چنگیز خان، بنیانگذار امپراتوری مغول، دلالت می کند. امپراتوری مغولها به مراتب بسیار در خور توجه تر از سایر امپراتوریهای بود که به وسیله چادر نشینان مرکز آسیا به وجود آمده بود، چرا که این امپراتوری در حدود ۱۳۰۰ میلادی - آن هنگام که پهناورتر و مقتدرتر از همیشه بود - تمامی سرزمین دنیای قدیم از روسیه اروپایی تا کره، بانضمام اکثر خاور نزدیک و کل چین را شامل می شد. هنگامی که مغولها بر سراسر این سرزمین پهناور مسلط شدند، جمعیت تمام نواحی کاهش یافت، به طوری که هرکس گزارشهایی مبنی بر شیوه جنگ و کشتار مغولها



شد. پس از سقوط امپراتوری روم غربی، برای ۱۰۰ سال نیمه شمالی چین (امپراتوری وی شمالی) از نیمه شرقی امپراتوری روم پیشی گرفت، سپس چند دهه وضعیت شکل عکس به خود گرفت، تا حدی که خاطر گسترش امپراتوری روم شرقی و بیشتر به خاطر تقسیم دولت وی. طی سده بعدی بنیانگذار سلطنت سوی اتحاد و دنیای را به چین بازگردانید. از آن پس چین همیشه بالاترین مکان را در میان جمعیتها دارا بوده است. زمانی در سده سیزدهم هنگام فتح چین توسط مغولها وجود دارد که زیاد قابل اعتماد نیست و بالاخره به سلطنت چینی یوان منجر شد. بار دیگر عدم اطمینان در حوالی جنگ دوم جهانی وجود دارد که جمع کل جمعیت امپراتوری بریتانیا و کشورهای مشترک المنافع از جمعیت جمهوری چین تجاوز می کند: در هیچ یک از این دو مورد روند تغییر بیش از چند سالی نباید و در مورد بریتانیا این مسأله قابل بحث است که آیا با آن بماند یک هویت سیاسی خالص (بدون مستعمراتش) برخورد کنیم یا نه.

خوانده باشد، جز این انتظاری ندارد. هر چند بویژه جمعیت روستایی پس از آن کشتارها به سرعت افزایش یافت، چرا تا پایان همان سده یا حتی سده بعد افزایشی دیده نمی‌شود؟ عاملی که در مورد مغولها - فزون بر عواملی که در مورد اقوام دیگر نیز صادق بود - وجود داشت، عزم آنان بر نابودی کامل طبقه دهقانان (تا آنجا که امکان داشت) بود. زندگی چادرنشینی (که شیوه زندگی قوم مغول بود) از سوی دهقانانی که دائماً به مراتع تجاوز می‌کردند، مورد تهدید بود. مغولها نه تنها دهقانان را قتل عام کردند بلکه ساختار زیربنایی زندگی روستایی، یعنی شبکه‌های آبیاری و شهرها و روستاهایی را که بازار روستاهای اطراف محسوب می‌شدند، عامدانه نابود می‌کردند. سپس آنان موافقت کردند دهقانان گله‌هایشان را در ویرانه‌ها بچرانند. سقوط جمعیت مدت درازی طول کشید، زیرا در این مدت، انتقالی از زندگی پر تراکم کشاورزی به زندگی کم تراکم چوپانی صورت گرفت.

احتمالاً روی کار آمدن مغولها چندان هم خوفناک نبوده است، البته اگر قبل از آن افزایش شتابنده جمعیت در سده‌های میانه رو به کاستی نگذاشته بود؛ در حقیقت شاید این واقعه ابداً رخ نمی‌داد، اگر کاهش درست در همان اوان در شرف وقوع نبود. با این حال، مغولها یقیناً این دوران را تا آنجا که ممکن بود به دورانی خونبار بدل ساختند و به احتمال زیاد آنها مسبب این فاجعه بودند، چرا که کاهش رشد جمعیت زمانی آغاز شد که دوران سلطه آنان فرا رسید (تقریباً یک سده پیش از پایان افزایش شتابنده جمعیت در اروپا) و همچنان کاهش ادامه یافت (در حالی که در آسیا سه سده به طول انجامید تا افزایش مجدد جمعیت به حد سابق برسد و زمان برای جبران کاهش در اروپا نصف این مدت بود).

نخستین نشانه‌های آغاز افزایش مجدد جمعیت، در سده پانزدهم پدیدار شد. رشد جمعیت در سده شانزدهم به رقم بی‌سابقه‌ای (تا ۳۵٪ برای تمام این سده) شتاب گرفت. در سده هفدهم، کاهش (هر چند تا ۱۰٪ که همچنان رقم بالایی در مقایسه با معیارهای معمول به شمار می‌آید) بروز کرد. از آن زمان در هر سده رکورد جدیدی پدید آمد: سده هجدهم ۵۰٪، سده نوزدهم ۵۵٪ و سده بیستم دست کم ۲۰۰٪. سده بیستم با این رقم بسیار بالا، نباید ما را از توجه به ارقام چهار سده پیشین باز دارد. چهار سده‌ای که آسیا، دور از به اصطلاح بیداری توسط استعمار اروپایی، انقلاب جمعیت‌نگاری خود را به وجود آورد. مسلماً هر گاه در این باره بیاندیشید، چیزی جز این انتظار ندارید. به استثنای بریتانیا در هند، اروپاییان تا تحول در سده نوزدهم، فعالیت خاصی جز در قاره خود نداشتند و از نظر جمعیت‌نگاری، آنان به کار مفیدی برای بهبود ارتباطها و یا پدید آوردن طرحهای جدید آبرسانی تا پایان سده

اقدام نکردند؛ تغییر مطلوب آسیا، سده‌ها پیش از آن صورت گرفته بود.

دلایل خاصی برای این میزان فزاینده ترقی (با در صد بالا) وجود ندارد؛ اما به نظر می‌آید که رشد جمعیت دقیقاً به همین ترتیب صورت گرفت. اساس این امر می‌تواند تمایل مطلوبی باشد که مدت درازی در جهت به دست آوردن تکنولوژی وجود داشت. آنچه یادآوری آن بجاست، این است که سیر قهقرایی آسیا در مقابل اروپا بطور مشخصی نمود پیدا کرده است. دو پیشرفت تکنیکی مهم در سده پانزدهم، ساخت سلاح گرم و کشتیهای بادبانی اقیانوس پیما بود؛ البته چینی‌ها همانند اروپاییان با این دو اختراع آشنایی داشتند و فقط پس از ۱۵۰۰ میلادی از اروپاییان عقب ماندند. با وجود این، حتی همان وقت چینی‌ها و سایر آسیایی‌ها، همچنان تکنولوژی خود را بهبود بخشیدند، اما این مهم را با سرعتی که اروپاییان دنبال می‌کردند به انجام نرساندند.

آنچه ذکر شد از تأخیر پیدایش جمعیت نگاری در آسیا حکایت می‌کند. این تحوّل در مرحله مدرنیزه شدن به وجود آمد، آن هنگام که میزان مرگ و میر بسرعت رو به کاستی گذارد و چون کاهش همانند، در میزان زاد و ولد بعدها به وقوع پیوست، میزان افزایش به شکل خاصی تقویت شد: این واقعه در اروپا در سده نوزدهم رخ داد، یعنی هنگامی که رشد جمعیت از ۱۰۰٪ (در برابر ۵۰٪ در سده هجدهم) فراتر رفت: در آسیا، این افزایش خاص تا این سده در حالی روی نداد که میزان رشد تقریباً به همان میزان رشد در اروپای یک صدسال پیش بود.

رشد جمعیت در مناطق مختلف آسیا (برای تقسیمات منطقه‌ای نگاه کنید به تصویر ۲-۶) یکسان نیست. تا ۱۹۰۰ میلادی، خاور نزدیک همچنان به رشد کم خود ادامه داد: در دوره‌های استبدادی، گرچه جمعیت خاور نزدیک از ۲۱ میلیون به ۴۷ میلیون (بیش از دو برابر) افزایش یافت، سهم آن در کل آسیا به ۵٪ کاهش یافت. در این سده (در واقع از ۱۹۵۰ میلادی) تنها جهان اسلام است که میزان بیشتری را در نمودار نشان می‌دهد. در حال حاضر، میزان رشد جمعیت بالاست - و به عقیده برخی بسیار بالا - و رقم فعلی ۱۵۵ میلیون نشانگر ۷٪ از کل جمعیت آسیا است؛ این رقم نشانه نوعی بهبود است نسبت به آنچه این منطقه در ۱۵۰۰ میلادی دارا بود.

این سخن بدان معنائیست که خاور نزدیک تا بازیابی رتبه‌ای که مدتهای درازی به عنوان سومین منطقه پرجمعیت آسیا دارا برد - و در ابتدای سده شانزدهم میلادی آن را از دست داد - فاصله چندانی ندارد، زیرا ژاپن به مثابه مرکز عمده پرجمعیتی ظهور کرده است. تاریخ ژاپن تقریباً عکس تاریخ خاور نزدیک است، چون ژاپن تنها کشور آسیایی است که در آن تقریباً مرحله کامل مدرنیزه شدن، با رشد



تصویر ۲ - ۶ نواحی ۸ گانه آسیا

مرزبندیهای سیاسی کنونی همواره به بحث در مورد روند تاریخی اختصاص ندارد و از این رو برای هدف این بررسی کلی تصویر نواحی ۸ گانه آسیا (تصویر ۲ - ۱) به صورت نقشه بالا دوباره سازی شده است. مهمترین تغییر ترکیب مناطق ۲ - ۱، ۳، ۴ و ۱ - ۲ (ترکستان شوروی، مغولستان، ترکستان چین، تبت، منچوری و بخش داخلی مغولستان است تا منطقه آسیای مرکزی را تشکیل دهند. بنابراین بخش باقیمانده از سرزمین چین (۳ - ۴ یا چین خاص) شانی منطقه‌ای دارد همانطور که در مورد سیبری (۲ - ۲) چنین است. خاور نزدیک با افزوده شدن قفقاز (۲ - ۱) کامل می‌شود، در حالی که ژاپن و کره (۵ و ۶) هم با یکدیگر ترکیب می‌شوند. مناطق ۱، ۷ و ۸ تغییری نسبت به تصویر ۲ - ۱ ندارند.